

آیت‌الله بهشتی بلند نظر بود

۴ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۰:۰۷

شهید بهشتی چون خیلی بلندنظر و منطقی و با سعه صدر بود، اعتقاد داشت که با مجاهدین خلق باید بیشتر به بحث و گفتگو نشست و آنان را به راه درست هدایت نمود و جذب کرد.

در کتاب خاطرات دکتر حسن روحانی؛ جلد اول (انقلاب اسلامی) آمده است:

شهید بهشتی به من گفت: فکر می‌کنید اعضای سازمان مجاهدین خلق قابل جذب نیستند؟ گفتم: نه. گفت: چرا؟ دلایل خودم را خدمت ایشان عرض کردم که ظاهراً برای ایشان قانع‌کننده نبود. شهید بهشتی چون خیلی بلندنظر و منطقی و با سعه‌ی صدر بود، اعتقاد داشت که با مجاهدین خلق باید بیشتر به بحث و گفتگو نشست و آنان را به راه درست هدایت نمود و جذب کرد؛ اما من معتقد بودم آنان مخالف امام و نظام و افرادی توطئه‌گر و وابسته و قدرت‌طلب و ضد روحانیت هستند

بحث مفصلی هم راجع به انقلاب و ضرورت اقداماتی که برای پیروزی انقلاب لازم است، مطرح شد. نه ایشان و نه من، پیش‌بینی پیروزی انقلاب در چند ماه آینده را نمی‌کردیم. در موقع خواب هم از من سؤال کرد که اذان صبح چه ساعتی است؟ گفتم: ساعت سه بامداد. ساعت را تنظیم کرد که اول وقت نماز صبح، بتواند ادای فریضه نماید. شهید بهشتی خیلی مقید به نماز اول وقت بود. چه در سال‌های ۴۰ - ۱۳۴۱ و چه در سال‌های ۵۴ - ۱۳۵۵ که بیشتر خدمت ایشان می‌رسیدم و چه بعد از پیروزی انقلاب، ده‌ها بار پیش آمده بود که خدمت‌شان بودم، وقتی موقع نماز می‌شد، وسط بحث و یا هر کار دیگر، فوراً برنامه را تعطیل می‌کردند و برای اقامه نماز آماده می‌شدند. اصولاً شهید بهشتی فرد بسیار منظمی بودند و همه‌ی کارهای ایشان طبق برنامه بود. صبح، بعد از صبحانه با دکتر بهشتی خداحافظی کردم. فکر می‌کنم ایشان هم برای روز بعد، عازم کشور دیگری بودند.

در یکی از روزهای اوایل فروردین ۱۳۵۸، به منزل آیت‌الله خامنه‌ای در خیابان ایران رفتم. فکر می‌کنم بعد از نماز مغرب و عشا بود. در آنجا عده‌ای از جمله آقای سیدعلی مقدم و مهندس مهدی طیب هم حضور داشتند. آیت‌الله خامنه‌ای از برنامه‌ی من سؤال کردند که چه مسئولیتی را می‌خواهم بر عهده بگیرم. گفتم: نظر دکتر بهشتی این است که وقت عمده‌ی خودم را برای حزب جمهوری اسلامی بگذارم و فعالیت‌های دیگر من فرعی باشد. ایشان گفتند: «به اعتقاد من بهتر است فعالیت خودتان را در

ساماندهی ارتش متمرکز کنید». سؤال کردم که با توجه به مسئولیت‌های فراوان آیا فکر می‌کنید مسئله‌ی ارتش دارای اولویت است؟ فرمودند: «بله، هم‌اکنون مهم‌ترین کار، ساماندهی وضع ارتش است که دچار از هم‌پاشیدگی شده و بسیار وضع آشفته‌ای دارد». بعد اصرار کردند و فرمودند: «شما مدتی افسر وظیفه بودید و با امور نظامی آشنا هستید و لازم است این کار بر عهده گیرید». بعد قرار گذاشتند که صبح فردا در ستاد مشترک ارتش ایشان را ببینم.

(ص ۵۵۰)

من به طور رسمی عضو حزب جمهوری اسلامی نبودم و بیشتر به خاطر شهید بهشتی به حزب می‌رفتم و در جلسات آن شرکت می‌کردم.

(پاورقی ص ۵۶۴)

در سال ۱۳۵۸ چند نوبت دیگر به اصفهان سفر کردم و در مساجد امام خمینی، امام علی و مسجد سید سخنرانی کردم. در مسجد سید، پنج شب سخنرانی کردم که این برنامه در اردیبهشت ۱۳۵۸ بود که پس از سخنرانی شب آخر، برای اولین بار تظاهراتی بر ضد منافقین و گروهک‌های چپ در اصفهان به راه افتاد و شعار جمعیت این بود: «جنبشی، فدایی، دشمن خلق مایی»

پس از بازگشت به تهران، شهید بهشتی که از ماجرای تظاهرات اصفهان باخبر شده بود، به من گفت: فکر می‌کنید اعضای سازمان مجاهدین خلق قابل جذب نیستند؟ گفتم: نه. گفت: چرا؟ دلایل خودم را خدمت ایشان عرض کردم که ظاهراً برای ایشان قانع‌کننده نبود. شهید بهشتی چون خیلی بلندنظر و منطقی و با سعه‌ی صدر بود، اعتقاد داشت که با مجاهدین خلق باید بیشتر به بحث و گفتگو نشست و آنان را به راه درست هدایت نمود و جذب کرد؛ اما من معتقد بودم آنان مخالف امام و نظام و افرادی توطئه‌گر و وابسته و قدرت‌طلب و ضد روحانیت هستند و قابل هدایت و جذب نیستند و حتی ممکن است روزی دست به اسلحه ببرند و رو در روی نظام قرار گیرند.

(ص ۵۹۷)

در اداره مجلس خبرگان، سعه‌ی صدر، ادب، منطقی بودن و قدرت مدیریت دکتر بهشتی زبانزد عام و خاص بود و به راستی ایشان در دقت، نظم، تدبیر، گزیده‌گویی و نحوه‌ی اداره‌ی جلسات و جمع‌بندی دقیق، جزو مدیران بی‌نظیر کشور ما بود.

(ص ۶۰۷)

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۲۵۶۵/آیت-اللہ-بہشتی-بلند-نظر>